

بهترین روش‌های آموزش زبان به کودکان

سال اول زندگی، بچه به جز گریه و صداهایی که پدر و مادر به زور می‌خواهند ثابت کنند معنی خاصی دارد، روش ارتباطی دیگری نمی‌شناسد. چند سال بعدی هم والدین با شیرین زبانی کودک و این‌که او هر بار چه کلمه جدیدی را یاد گرفته است، سرگردمند، اما بعد از این مدت بعضی از پدر و مادرها دنبال سرگرمی دیگری می‌روند و آن این است که به کودک‌شان زبان دیگری یاد بدهند. به همین دلیل در خیلی از مهمانی‌ها بچه‌هایی را می‌توان دید که به اصرار والدین عمو یا خاله‌شان غلط یا درست از یک تا ۱۰ را به انگلیسی می‌شمرند یا اپل می‌گویند و اورنج را نشان می‌دهند. اما از ابتدای دهه ۹۰ با مطرح شدن موضوع دهکده جهانی و زبان بین‌المللی و البته نتیجه تحقیقات بعضی دانشمندان آموزش زبان دوم رنگ و بوی جدی‌تری به خود گرفته است. تحقیقات نشان داده بچه‌هایی که زبان دوم یاد می‌گیرند، هوش اجتماعی بالاتری دارند.

اما واقعا از چه سالی باید آموزش زبان به کودکان را شروع کرد؟

بسیاری از کارشناسان بر این باورند هرچه زبان دوم در سنین پایین‌تری به کودک آموزش داده شود احتمال این‌که کودک در سال‌های بعد در یادگیری این زبان موفق‌تر باشد، بیشتر است. در سال ۱۹۹۶ یک مقاله در روزنامه نیوزویک منتشر شد که نتایج یک تحقیق را بررسی می‌کرد. بر اساس این تحقیق، کودکی که بعد از ۱۰ سالگی شروع به آموختن زبان دوم کند با احتمال کمتری ممکن است بتواند بعدها این زبان را مانند کسانی که آن زبان، زبان مادری‌شان است، صحبت کند. نتایج این تحقیق توسط زبان‌شناسان زیادی تایید شده است و به دنبال این تحقیق، تحقیقات بسیار دیگری هم انجام شد که بر همین موضوع تاکید داشت. بررسی‌های بیشتر در مورد یادگیری زبان در سنین پایین نشان داد کودک نه تنها با یادگیری زبان، برخورد اجتماعی‌اش تقویت می‌شود و در ارتباط با دیگر بچه‌ها موفق‌تر عمل می‌کند، بلکه این مسئله می‌تواند باعث پیشرفت عملکرد کلی کودک در بقیه دروس در مدرسه نیز بشود. در تحقیقی روی بچه‌های مدارس یکی از کشورهای غیرانگلیسی زبان، کودکانی که بیش از ۴ سال به یادگیری زبان دوم (اغلب زبان انگلیسی) پرداخته بودند نسبت به بچه‌هایی که زمان کمتری آن زبان را آموزش دیده بودند یا اصلا زبان دومی را یاد نگرفته بودند، در امتحان جامع و تست‌های مورد نظر تحقیق نتایج بهتری کسب کردند. طبق این تحقیق بچه‌هایی که زبان دوم یاد گرفته بودند حتی از بچه‌هایی که به یادگیری ریاضی پرداخته بودند هم موفق‌تر عمل کرده بودند. نتایج بررسی‌های متخصصان آموزش کودک نشان داده است کودکانی که زبان دوم می‌آموزند در حل مسائل پیچیده خلاقیت و تبحر بیشتری دارند. بررسی‌های بروک لمبرت و تاگر، در سال ۱۹۷۴ نشان داده است بچه‌هایی که توانایی یاد گرفتن بیش از یک زبان را دارند هوش بالاتری دارند. لمبرت این‌طور استدلال می‌کند که شاید یادگیری زبان دوم و زبان‌های بیشتر باعث پیشرفت توانایی ذهنی و قوه درک فرد شده است.

نقش والدین در آموزش زبان

آموزش زبان باید توسط یک متخصص و بر اساس سیستم مناسب باشد. ساعات و جلسات آموزش زبان دوم و نحوه به کارگیری آن کاملا حساب شده است به همین دلیل والدین ناآشنا به این امر ممکن است نتوانند مربی‌های خوبی برای آموزش زبان به کودک‌شان باشند. اما آن‌ها می‌توانند با تشویق کودک به یادگیری و حمایت از او، علاقه کودک را به فراگیری زبان و

فرهنگ دیگر بیشتر کنند. به کودک تان نشان بدهید توانایی او در صحبت کردن به زبان دیگر، برای تان ارزشمند است و با او همراهی کنید. سعی کنید کودک تان را به جشن ها یا مراسمی که در مورد فرهنگ ها و زبان های دیگر است ببرید یا با مشورت معلمش، کتابها و فیلم هایی به زبانی که در حال یادگیری است در اختیارش قرار دهید. اگر خودتان هم به آن زبان آشنایید، برایش به آن زبان کتاب بخوانید اما سعی کنید کلمات را به صورت صحیح تلفظ کنید. در بقیه مواد درسی با کودک تان کار کنید تا کودک با خیال راحت تری به یادگیری زبان بپردازد و مشکلی در زمینه های دیگر نداشته باشد.

زبان دوم از چه سنی؟

کارشناسان آموزش کودک و زبان شناسان معتقدند کودکانی که قبل از دوره نوجوانی به یادگیری زبان دوم بپردازند بهتر می توانند در زمینه تلفظ کلمات به طور صحیح و نزدیک به صاحبان اصلی زبان عمل کنند. زبان شناسان این موضوع را به تغییرات فیزیولوژیکی مربوط می دانند که در مغز کودکان در سنین نوجوانی رخ می دهد. تفاوت هجاها و آواها در زبان های مختلف که باعث تفاوت لهجه ها می شود در کودکانی که زبان را قبل از شکل گیری بخش های مربوطه در مغز یاد گرفته اند کمتر به چشم می آید. به همین دلیل بهترین سن آموزش زبان به کودک، قبل از ۱۰ سالگی و زمانی است که کودک هنوز در زبان مادری خود هم پیشرفت چندانی نداشته است. البته این مسئله به هیچ وجه کودک را از یادگیری زبان مادری باز نمی دارد بلکه به پیشرفت آن هم کمک خواهد کرد. بعضی از والدین نگران این نکته هستند که یاد دادن زبان دوم در سنین کم ممکن است باعث شود کودک زبان مادری خود را فراموش کند یا این که در یادگیری زبان مادری و ادبیات آن دچار مشکل شود. در حالی که زبان شناسان خلاف این باور را دارند. آن ها معتقدند یادگیری زبان دوم به دلیل به کارگیری ذهن کودک در استفاده از ترجمه ها و معانی کلمات و ساختار جملات می تواند باعث شود زبان مادری خود را هم بار دیگر بیاموزد و آن را در کنار زبان دوم یاد بگیرد. توجه کودک به یک زبان جدید می تواند باعث توجه او به ساختارهای زبان و جمله بندی ها شود. چیزی که ممکن بود تا آن زمان به آن چندان توجهی نشان داده نشود.

بهترین روش های آموزش زبان به کودک

برای آموزش زبان دوم به کودک، ۳ روش اصلی وجود دارد که اغلب موسسات و سیستم های آموزش از یکی از این ۳ روش استفاده می کنند. به کارگیری هر کدام از این روش ها به سن کودک، سیستم تربیتی کودک و نگاه والدین به مسئله یادگیری زبان بستگی دارد. کودک در بعضی از این روش ها سریع تر زبان دیگری را یاد می گیرد و در بعضی از روش ها آزادی بیشتری برای انتخاب یادگیری دارد.

روش غرقه سازی: در این مدل از یادگیری کودک کاملا در محیطی با زبان دیگر قرار می گیرد. در مهد های کودک دوزبانه مربی ها با زبان دوم که هدف یادگیری است صحبت می کنند و در مدرسه هم بچه ها حداقل نیمی از اوقات خود را در طول روز به یادگیری زبان دوم می پردازند. در روش غرقه سازی کامل که البته در مدارس معدودی اجرا می شود کودک همه مواد درسی مانند ریاضی، علوم و تاریخ را به زبان دوم فرا می گیرد. در این روش یادگیری زبان در واقع زبان دوم به جای این که موضوعی برای یادگیری باشد خود وسیله ای برای آموزش مواد درسی دیگر است و کودک ناخود آگاه مجبور به یادگیری این زبان می شود. بچه هایی که با این روش زبان یاد می گیرند در صحبت کردن زبان دوم با لهجه صحیح و به طور کامل، موفق ترند و به

سطوح بالاتری از یادگیری زبان می‌رسند. اگرچه ممکن است در ابتدا، یادگیری در بعضی از مواد درسی، بچه‌ها به اندازه‌ای که آن درس‌ها را به زبان مادری خود یاد می‌گیرند موفق نباشند اما به تدریج و با پیشرفت‌شان در یادگیری زبان دوم، این مشکل هم برطرف می‌شود.

روش آموزش زبان خارجی در مدارس ابتدایی: در این روش به جای این که زبان دوم در پایه راهنمایی به کودک آموزش داده شود، در همان سال‌های ابتدایی و همراه با دیگر درس‌ها به طور مقدماتی به کودک یاد داده می‌شود. در این روش زبان دوم به عنوان یک سوژه یادگیری به کودک معرفی می‌شود و به طور معمول ۳ تا ۵ جلسه در هفته کودک زمان صرف یادگیری این زبان می‌کند. میزان موفقیت این روش کمی کمتر از روش قبلی است اما کودکانی که در این سن یادگیری زبان را شروع می‌کنند نسبت به کودکانی که در سال‌های بعد برای اولین بار زبان دوم را یاد می‌گیرند، پیشرفت بیشتری خواهند داشت. ارائه زبان دوم در سال‌های اولیه تحصیلی که کودک شوق برای یادگیری دارد باعث بالا رفتن سرعت یادگیری می‌شود. بسته به تلاش و میزان زمانی که صرف آموزش این زبان به کودک می‌شود ممکن است در آینده کودک بتواند به خوبی و با فصاحت به زبان دوم حرف بزند.

روش اکتشاف در زبان دوم: در این روش سن کودک کمی بالاتر است و این روش بیشتر از آن که آموزش زبان باشد در واقع نوعی تقویت شناخت کودک است. در این روش فرهنگ و زبان دوم به عنوان یک مفهوم به کودک ارائه می‌شود. برای کودک در مورد فرهنگ و زبان‌های مختلف صحبت می‌شود و ممکن است بیش از یک زبان به کودک ارائه شود تا کودک در یادگیری زبان دوم حق انتخاب داشته باشد. در مراحل بالاتر این روش، ساختارهای زبان دوم هم به کودک آموزش داده می‌شود اما بیشتر از آن که تاکید بر فصیح صحبت کردن این زبان باشد، هدف آشنایی و ارائه اطلاعات در مورد فرهنگ جامعه‌ای است که به آن زبان سخن می‌گویند. اگر جلسات آموزش بیشتر از ۲ یا ۳ بار در هفته باشد ممکن است توانایی کودک در صحبت به زبان دوم هم بیشتر شود اما والدین نباید انتظار داشته باشند کودک در این روش یادگیری بتواند بعدها به طور فصیح و با لهجه مناسب به زبان دوم حرف بزند. این روش یادگیری بیشتر مورد علاقه والدینی است که فکر می‌کنند آموزش زبان دوم ممکن است باعث فشار بر کودک شود. اگرچه این روش می‌تواند زمینه یادگیری زبان در سال‌های بعدی باشد و سرعت یادگیری زبان در فرد را در سال‌های بعدی زندگی افزایش دهد.